

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال پنجم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۰

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۲

صص ۱۴۰ - ۱۱۳

بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست شهر تهران (مطالعه موردی مناطق ۵ و ۱۸)

عبدالرضا ادهمی^۱ و الهام اکبرزاده^۲

چکیده

یکی از مسایل روز جهان مسأله حفظ محیط زیست است. فاجعه زیست محیطی نه تنها آرامش و امنیت را از زندگی انسان می‌رباید بلکه سلامتی و هستی را تهدید می‌کند. پژوهش حاضر با هدف شناخت میزان تاثیر عوامل فرهنگی بر حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی انجام گرفته است. جهت قالب فرهنگی بر حفظ محیط زیست از نظریات دورکیم، وبر، پارسونز، گیدنز و ژرژ تومه استفاده شده است. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق پیمایش و تکنیک پرسشنامه بر روی ۴۰۰ نفر از افراد در دو منطقه ۵ و ۱۸ شهر تهران انجام گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی و در قالب جداول توزیع فراوانی و در سطح آمار

استنباطی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر انجام گرفته است. در این پژوهش براساس آزمونهای انجام شده نتایج حاصله نشان داد که متغیرهای احساس مسؤولیت، اخلاق اجتماعی، آموزش و ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط زیست و رفتارهای محیط زیستی مؤثر هستند. اما با توجه به یافته‌های این تحقیق نشان داده شده که متغیر هنجارسازی بر حفظ محیط زیست تاثیری ندارد. در یک نتیجه کلی، می‌توان گفت که فرهنگ عامل تعیین کننده رفتارهای افراد در یک جامعه است و رفتارهای زیست محیطی تک تک افراد نشأت گرفته از این عامل مهم است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، حفاظت محیط، محیط زیست

مقدمه:

طبیعت و محیط زیست موهبتی خداوندی است که از مجموعه موجودات، منابع و عوامل و شرایط هماهنگی که در اطراف هر موجود زنده وجود دارد و ادامه حیات به آن وابسته است به وجود می‌آید. محیط زیست محل زندگی و تأمین کننده اصلی ترین نیازهای انسان است و پدیده ای است که هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌گردد اما متأسفانه انسان در دوران سلطه اش بر این کره خاکی به استفاده بی رویه و بدون برنامه ریزی از منابع طبیعی، ایجاد آلودگی‌های خطرناک در خاک، آب و هوا و از بین بردن توان زیست آن، پرداخته است.

فرهنگ عامل اصلی و به معنای موتور توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست است. بهبود محیط زیست زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی انسان با هم مرتبط باشند. لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق زیست محیطی در تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور است. اخلاق زیست محیطی رفتار ایده آل بشر نسبت به محیط زندگی خود اعم از محیط طبیعی، محیط اجتماعی و فرهنگی است (اژدری، ۱۳۸۲، ۲۷-۲۸). مجموعه رفتارهای ضابطه‌مند در بستر فرهنگ موجب جهت دهی در ابعاد مختلف زندگی خواهد بود. عبارت دیگر فرهنگ ریشه و ساختار اصلی توسعه همه جانبه است و زمانی می‌توان انتظار شادابی و پویایی را برای جامعه تصور نمود که این ساختار بصورت اصولی انجام یافته باشد.

متأسفانه غالب جمعیت کشور در زمینه فرهنگ زیست محیطی با چالش‌های متنابهی روبروست و وسعت دامنه، مقیاس و پیچیدگی آن بی سابقه است. فشار آلودگی‌های زیست محیطی در مرز بحرانی است و هنوز جامعه فرهنگی کشور در سطوح ادراک مفاهیم، روش شناسی‌های نوین و .. تاکنون نتوانسته است آن طور که باید و شاید به صورت فرهنگ زیست محیطی و کاربردی در کشور جایگاهی پیدا نماید. با اینکه در اصل پنجاهم قانون اساسی، اهمیت حفظ محیط زیست بسیار زیبا و همه سونگر نگارش و قوانین و مقررات دیگری هم به تبعیت از آن تهیه و تدوین و مصوب گردیده است، اما حفظ محیط زیست تنها در شعار باقی مانده است، چرا که بدلیل خلاءهای آموزشی و آگاهی‌های زیست محیطی، نبود احساس مسؤلیت در کل جامعه، عدم اخلاق اجتماعی مناسب و غیره و به طور خلاصه فقر فرهنگی ناشی از آن، آلودگی‌های زیست محیطی و کشور را به مرز بحرانی سوق داده است.

بیان مسأله:

از مسایل روز جهان مسأله حفظ محیط زیست است. فاجعه زیست محیطی نه تنها آرامش و امنیت را از زندگی انسان می‌رباید که موجودیت بشر را تهدید می‌کند، به همین دلیل در محافل علمی و سیاسی بحث زیست محیطی پر سرو صدا ترین و جدی ترین بحث روز است (ولایی، ۱۳۸۴، ۲۴).

در پیگیری علل و عوامل آن دو عامل بیشتر جلب توجه می‌کنند یکی دیدگاه انسان متمدن نسبت به طبیعت، دیگری توسعه فن آوری است. بشر متمدن خود را مالک طبیعت دانسته و بر این باور است که انسان به عنوان اشرف مخلوقات حق هر گونه استفاده از طبیعت را داراست و بدون آنکه در بازسازی و نگهداری آن مسؤلیتی داشته باشد از طرف دیگر با توسعه فن آوری بشر دستاوردهای عظیم و شگفت انگیزی بدست آورده در حالی که همین علل سازنده و دگرگون کننده زندگی بشر را در معرض نابودی قرار داده است (ولایی، ۱۳۸۴، ۲۴).

اکنون مسایل زیست محیطی بقدری دامنه پیدا کرده‌اند که قلمرو آنها دیگر به مسایل فنی ختم نمی‌شود. امروزه مسایل زیست محیطی عمیقاً دارای مفهوم اجتماعی‌اند و در کل مسایل زیست محیطی ریشه فرهنگی دارند و به منظور پذیرش بافت‌های فرهنگی یک جامعه بایستی بصورت ساختاری با موضوع برخورد نمود. حفظ محیط زیست به مسایل زیادی ارتباط دارد که بزرگترین و مهم‌ترین آن مسأله فرهنگ اجتماعی است. در مسأله محیط زیست رفتارهای نابهنجار در ارتباط با محیط زیست به علت ناآشنایی با فرهنگ شهرنشینی و عدم درک درست از اوضاع زیست محیطی حاکم بر جامعه و وضعیت اعتقادات فرهنگی مردم می‌باشد زیرا مردم فرهنگ استفاده از منابع طبیعی و امکانات زیست محیطی و فرهنگ زیستن همراه با همزیستی با طبیعت را نیاموخته‌اند و یا بدرستی آنرا درونی نکرده‌اند که این تحقیق سعی بر آن دارد که به چند جنبه از عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست بپردازد.

اساسی‌ترین وظیفه انسان امروزی در قبال همه داشته‌های طبیعی و ساخته‌های دست انسان، "مسئولیت‌پذیری" اوست. با کمی دقت می‌بینیم تا وقتی که انسان از طبیعت می‌ترسید و تا زمانی که طبیعت توانسته بود قدرت و اقتدار خود را حفظ کند، همه چیز روال معمول خود را طبق قانون طبیعت داشت. حتی قانون جنگل و طبیعت هم زیبا بود، چرا که چرخه‌ای بود منظم که در آن هر از بین رفتنی، تولدی دوباره داشت. اما انسان با ورود خود به مدد هوش و استعدادش، نظم طبیعت و حرکت چرخه‌ای آن را برهم زد (اسلام زاده، ۱۳۸۲، ۴۳).

مردم جامعه ما مقید به دین مبین اسلام هستند دینی که در مورد همه مسایل، فرامین و رهنمودهای خاص خود را دارد از جمله اخلاق زیست محیطی و اهمیت ویژه‌ای به عمران و آبادانی داده است.

بر طبق آیات قرآن، خداوند به انسان قدرت و امکانات لازم را داده و او را مکلف به عمران و آبادانی زمین نموده است در همین زمینه در سوره هود می‌خوانیم «او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و عمران و آبادانیش را به شما وا گذاشت» (سوره هود، آیه ۶۱) قرآن نمی‌گوید

خداوند زمین را به شما تفویض کرده اشاره به اینکه وسایل از هر نظر آماده است اما شما باید با کار و کوشش خویش زمین را آباد سازید (اصغری لقمجانی، ۱۳۷۸، ۱۲۴).

یکی از دلایل عمده عدم مشارکت افراد در حفاظت از محیط زیست نداشتن علاقه است، به طوری که افزایش علاقه عمومی برای شناخت مشکلات در اولین مرحله فرآیند جلب مشارکت عمومی است، لیکن افکار عمومی اطلاعات کمی نسبت به موضوع دارند و اکثریت جامعه باید برای شناسایی مشکلات و واقعیت‌های محیط ترغیب شوند (Marzo, 1980, 22). در این میان نقش اطلاعات شفاف و قابل فهم و علاقه باطنی بسیار مؤثر است.

برخورداری از سواد بعنوان یک توانایی ارزشمندی غنای فرهنگی و اجتناب ناپذیر زندگی توأم با رشد ارزش‌های انسانی است. امروزه حیات روبه رشد جوامع با میزان سواد و دانش پیوند خورده است. بنابراین ایجاد تحول و ارتقاء فرهنگ زیست محیطی مستلزم افزایش بهره‌وری نیروی انسانی در زمینه مسایل زیست محیطی و اشاعه آموزش زیست محیطی در ابعاد گسترده‌تر است (فرصت، ۱۳۸۴، ۲۳).

مسئله دیگری که در این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد، احیای آداب و رسوم است که در بطن آنها مسئله حفظ محیط زیست وجود دارد. پرننگ کردن آنها و اینکه به اعضای جامعه معرفی گردند. جامعه‌ای که به جای ارزش‌های سنتی، سنت پرستی را پیشه کند، از عمق ارزش‌ها بیرون می‌آید و فقط نظاره‌گر آن می‌شود. در چنین جامعه‌ای که ارزش‌های آن در ظواهری خلاصه شود که مانند حبابی، با یک اشاره از بین می‌رود، مسؤلیت نمی‌تواند جایگاهی پیدا کند (اسلام زاده، ۱۳۸۲، ۵۰).

از طرفی مردم به تنهایی توانایی محافظت از محیط زیست خود را ندارند، حال به هر گونه که باشد. باید ارگان‌ها، سازمان‌ها، نهادها نیز مانند شهروندان وظایفی برعهده گیرند و به معنای دیگر وظایفی که برعهده شهروندان است برعهده سازمان‌ها و دیگر ارگان‌ها نیز می‌باشد. وظیفه مهم سازمان‌ها ایفای نقش‌های مهم در این زمینه از جمله توجه مردم به ارزشمند بودن محیط زیست و برجسته سازی این مهم با ساخت و اجرای هنجارهای مناسب شهری است.

ضرورت و اهمیت تحقیق:

ناهنجاریهای زیست محیطی همانند سرطان در اجزای سیاره ما در حال ریشه دواندن است، هر روز مراکز تحقیقاتی جهان از دگرگونی‌ها و تغییراتی که حادث شده یا در شرف تکوین است خبر می‌دهند (فرصت، ۱۳۸۴، ۹۱). آبهای زیر زمینی، روخانه‌ها، دریاچه‌ها و حتی اقیانوسها آلوده شده و سیستم اکولوژی آنها در حال تخریب است از تعداد گونه‌های حیوانات، پرندگان، گیاهان و دیگر موجودات زنده به علت آلودگی و نامساعد شدن محیط زیست کاسته می‌شود و برخی از منابع طبیعی روبه اتمام است و شاید از همه بدتر آلودگی روز افزون هوایی است که استنشاق می‌کنیم و سلامتی انسان‌ها را تهدید می‌کند و به طور کلی چنین به نظر می‌رسد که طبیعت زیبا و اعجاب انگیز ما در حال نابودی تدریجی است و در نهایت محیط زیست کره ما از جهات مختلف تحت فشار شدید قرار گرفته است (دبیرسیاقی، ۱۳۸۳، ۱۳).

امروزه حفاظت از محیط زیست و اطمینان از پایداری و همه جانبه بودن توسعه آن جدی ترین چالش پیش روی جامعه جهانی است، بنابراین احیا و نگهداری هرگونه حیاتی مساوی است با امکان زندگی بهتر و بیشتر برای انسان‌ها در روی کره زمین رابطه بین انسان و سایر موجودات جهان به هم پیوند خورده که نابودی یک گونه می‌تواند یک گزینه از امکانات زندگی انسان را کاهش دهد (ولایی، ۱۳۸۴، ۳۴).

متأسفانه صدمات وارده به محیط زیست اکثراً نامرئی و مدت زمانی طول می‌کشد تا آثار مخرب و مرگبار مختلف آن بر سلامتی بشر و طبیعت ظاهر شود به همین علت اغلب «فردا دیر است» که در جهت جلوگیری از صدمات به محیط زیست اقداماتی به عمل آید (دبیرسیاقی، ۱۳۸۳، ۱۳).

در شهر تهران انواع و اقسام آلودگی‌ها وجود دارد که آن را در جهان به مقام دوم و گاهی اول رسانده است. بدیهی است اگر اقداماتی اساسی در زمینه حفاظت از منابع زیستگاهی و طبیعی استان صورت نپذیرد، در آینده نزدیک مشکلاتی جدی در خصوص محیط زیست استان خواهیم داشت.

اگر به هر صورتی به محیط اجتماعی، فرهنگی و طبیعی آسیب وارد شود، بازتاب‌های این آسیب را تمامی انسان‌ها احساس خواهند کرد، حتی اگر چنین تصور کنیم که این مسأله فقط به گروه محدودی از انسان‌ها مربوط شود (تومه، ۱۳۸۰، ۶۰).

استفاده مطلوب از محیط زیست در کشور می‌تواند ضامن ماندگاری باشد و عدم توجه به آن می‌تواند متضمن مسایلی باشد که مجموعه برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور را با مخاطره روبه رو سازد. از این رو درک درست از نقش عوامل بازدارنده و کاستن از میزان آنها در مقابل تقویت عوامل مشوق می‌تواند به موفقیت در امر حفاظت از محیط زیست بیانجامد (Havvey, 1995, 15).

تلور فرهنگ زیست محیطی در جامعه اینست که فرد فرد آحاد مردم جامعه در جمیع جهات محیط زیست را یک پدیده حیاتی و با ارزش بدانند و هیچگاه به عوامل تشکیل دهنده آن که هوا، آب و زمین می‌باشند آسیبی نرسانند اگر ۱۰ درصد از افراد جامعه سیگار بکشند یقیناً در حق بقیه ظلم میکند و حق بقیه را تضییع می‌نمایند و یا اگر ۲۰ درصد از افراد دارای ماشین باشند و با سوخت مواد فسیلی در ماشینشان ایجاد آلودگی نمایند، همچنین بقیه را از استنشاق هوای سالم محروم می‌نمایند. فرهنگ زیست محیطی در واقع اینست که من و شما و همه افراد جامعه بطور برابر از امکانات برخوردار باشیم (پورنجف، ۱۳۸۶، ۱).

اهداف تحقیق:

هدف اصلی:

مهمترین هدف این پژوهش این است که عوامل فرهنگی (بیان شده در این تحقیق) مؤثر بر حفظ محیط زیست در شهر تهران را بررسی کند.

دیگر اهداف:

بررسی تاثیر آموزش‌های مناسب بر حفظ محیط زیست شهر تهران

بررسی تاثیر احساس مسؤولیت بر حفظ محیط زیست شهر تهران

بررسی تاثیر ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط زیست شهر تهران

بررسی تاثیر اخلاق اجتماعی بر حفظ محیط زیست شهر تهران
بررسی تاثیر هنجارسازی‌ها از سوی ارگان‌ها و سازمان‌ها بر حفظ محیط زیست شهر تهران

سوال اصلی تحقیق:

سوال اصلی تحقیق با توجه به هدف اصلی تحقیق این است که آیا رابطه معنی داری بین عوامل فرهنگی شناخته شده در این پژوهش و حفظ و بهبود محیط زیست شهر تهران وجود دارد؟

مفاهیم اساسی

فرهنگ: تایلور معتقد است فرهنگ به مجموعه‌ای آموخته شده از شناخت، باور، هنر، اخلاقیات، حقوق و عرف اشاره می‌کند. این تعریف به طور ضمنی فرهنگ و تمدن را یکی میدانند (مارشال، ۱۳۸۷، ۲۴۹). در لغت نامه دهخدا «فرهنگ» چنین تعریف می‌شود: مرکب از «فر» که پیشاوند است و «هنگ» که از ریشه «ثنگ» اوستایی به معنی کشیدن و فرهیختن و فرهنگ هر دو مطابق است با ریشه ادوکا وادور در لاتینی که به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است (رفیع پور، ۱۳۷۸، ۲۹۴).

حفاظت محیط زیست:

استفاده بهینه و مناسب از محیط زیست به نحوی که بتواند کیفیت خود را از نظر زندگی انسان حفظ کند. (دولت آبادی، ۱۳۸۲، ۶۱).

محیط زیست شهری:

منظور از محیط شهری فضاهای انسان ساخته، ساختمان‌ها، پیشرفت‌ها و ساختارهایی است که در شهرک‌ها و شهرها می‌یابیم، و این در برابر حیات وحش (که در آن هیچ ردپایی از انسان نیست یا رد اندکی هست) و یا در برابر خارج از شهر روستایی قرار می‌گیرد (که در آن

محیط طبیعی و فرایندهای آن را انسان‌ها اداره می‌کنند، اما آنها را نیافریده‌اند). شهر و شهرک نشان دهنده محیط ساختگی است که انسان‌ها برای خود یا دیگران درست می‌کنند و ظهور محیط شهری نیز، چه از لحاظ تاریخی و چه از لحاظ مفهومی، مدرن‌ترین محیط‌هایی است که انسان‌ها و غیر انسان‌ها در آن سکونت دارند (بری، ۱۳۸۰، ۳۴).

زیان‌های زیست محیطی:

در تعریف زیان‌های زیست محیطی می‌گویند خساراتی است که بر اشخاص یا اشیاء از طریق محیط زیستی وارد شود، که در آن زندگی می‌کنند. در این جا محیط زیست منبع خسارت است، نه زیان دیده. برخی دیگر بر این باورند که این خسارات، ناشی از آلودگی است و مرتبط با همه خساراتی است که در کاهش عناصر طبیعی (آب، هوا، صدا) دخیل است. با دقت در آنها، بیشتر مواقع عناصری نادر را در این زیان می‌بینیم. نتایج زیان بار آسیب‌های زیست محیطی برگشت ناپذیر است. خسارات به صورت جمعی وارد شده و اسباب متعددی دارد (محسن زاده، ۱۳۸۸، ۱۵۹).

پیشینه تحقیق:

تحقیقی بنام «تغییرات پوشش زمین و سازمان اجتماعی در آمازون برزیل» توسط سی دن ستریگر نتو و جان ماریون در دانشگاه کمبریج با درجه دکتری سال ۲۰۰۴ انجام شده است موضوع اصلی آن پیرامون جامعه شناسی، ساختار جامعه و توسعه علوم زیست محیطی بوده است این تحقیق در رابطه با تغییرات پوشش زمین در سه منطقه و ارتباط سازمان اجتماعی و مدیریت سازماندهی با آن، صورت گرفته است. عوامل مانند پیشینه و فرهنگی، مهارت‌های مدیریتی در توضیح ارتباط محیط با مردم، مؤثر است. آنچه انگیزه کشاورزان را نسبت به حفظ محیط زیست تضعیف کرده، عبارتست از سیاست‌های ملی، عوامل اقتصادی، کوتاهی و نقص سازماندهی مشارکت مردم در تهیه نقشه‌های پوشش زمین، زمینه‌های را جهت ارتقاء آگاهی زیست محیطی و اختیار دادن به کشاورزان فراهم نمود (صالحی، ۱۳۸۵، ۱۸).

در تحقیقی که پالمر سال ۱۹۹۰ از ۲۳۲ نفر از مریبان حفظ محیط زیست بعمل آورد، از بین عوامل گرایش آنها نسبت به کارشان، ۹۷ نفر تجارب دوران کودکی در محیط‌های باز را ذکر کرده و ۱۱۴ نفر آنان، تماس مستقیم با طبیعت را در طول دوران زندگی عنوان کرده بودند مانند راهپیمایی، تماشای پرندگان، باغبانی و کاشتن گل و درخت. همانند این تحقیق در کشورهای امریکا، سریلانکا، هنگ کنگ نیز انجام شد و همین نتایج بدست آمد (میلتون، ۱۳۸۲، ۱۱۴).

در بررسی آزمایشی هانشل ولیگت نشان داده شد که آموزش ضمن خدمت محیط زیست توام با مطالب تکمیلی کلاسی از نظر افزایش اطلاعات دانش آموزان و اتخاذ گرایش مثبت در قبال محیط زیست و آگاهی از نقش انسان در برابر آن، دستاوردهای قابل توجهی را بدنبال داشته است. با استفاده از یافته‌های هانشل ولیگت می‌توان گفت معلمینی که دوره آموزش ضمن خدمت را در آموزش محیط زیست گذرانیده‌اند گرایش بیشتری به توسعه افکار مثبت نسبت به موضوع محیط زیست خواهند داشت (همتی، ۱۳۸۰، ۳۹).

تحقیقی با عنوان «مطالعه نقطه نظرات و رفتارهای زیست محیطی در ایران» توسط دکتر صادق صالحی در سال ۱۳۸۸ انجام شده است که در این تحقیق متغیرهای مستقل عبارتند از جوان بودن افراد، جنسیت، تحصیلات و آموزش، اقامت شهری و روستایی، درآمد بالا و علاقه به محیط زیست. جامعه آماری تحقیق مذکور ۷۱۵ نفر از سه استان شمالی کشور (گیلان، مازندران و گلستان) انتخاب شده است. براساس یافته‌های این تحقیق مشخص شده است که گروه‌های سنی مختلف، رفتارهای زیست محیطی متفاوتی را نشان می‌دهند. بدین معنی که افراد نسل قدیم در مقایسه با نسل جدید از رفتارهای زیست محیطی بیشتری حمایت می‌کنند. از نقطه نظر آموزش و تحصیلات، ایران هیچ سرفصل آموزشی بنام آموزش رفتارهای زیست محیطی در آموزش خود از دبستان گرفته تا دانشگاه ندارند. لذا عاقلانه نیست اگر انتظار رفتارهای زیست محیطی متفاوتی از افراد تحصیل کرده داشته باشیم. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که بین میزان درآمد افراد و رفتارهای زیست محیطی ارتباط منفی وجود دارد.

«ارزشیابی آموزش زیست محیطی در نظام آموزش عالی کشور» تحقیقی است که توسط آقای محمد فرصت جهت رساله دکتری ایشان انجام گرفته است. که در این تحقیق جامعه آماری ۷۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاههای تهران ورودیهای ۷۹-۷۸ و ۸۱-۸۲ بوده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده است که خلا آگاهی‌های زیست محیطی کاملاً محسوس و دارای چالش‌های قابل ملاحظه بوده است.

رابطه جامعه‌شناسی با محیط زیست

مسائل اجتماعی مانند زنجیر به یکدیگر پیوسته‌اند و نباید آنها را از یکدیگر جدا کرد. از طرف دیگر مانند زنجیر سلسله مراتبی نیست بلکه تمامی حلقه‌های این زنجیر در یکدیگر تنیده و با هم در ارتباط هستند. اگر سلامت فرهنگی - اجتماعی در جامعه لازم است مطمئناً "بحث مسؤولیت، آموزش، قانون، نظم و... به پیوست آن مطرح می‌گردد. از دیدگاه جامعه‌شناسی بر تزلزلی کوچک در هر یک از این حلقه‌ها همه را نیز به لرزه می‌اندازد. حرکت جامعه سالم بر یک بند است که کوچکترین لرزش - حال بر هر گونه که می‌خواهد باشد - سقوط و انهدام آن جامعه سالم است. حکایت این دو کاملاً مشخص و روشن است اگر فرهنگی سلامت کامل داشته باشد، می‌تواند از سلامتی محیط زیست، استفاده آینده نگرانه از منابع طبیعی و سلامت جامعه صحبت کند. سلامت محیط زیست هر جامعه‌ای، ضامن سلامت کامل آن است، بدین معنی که این دو به یکدیگر وابسته‌اند و اگر یکی را نادیده بگیریم، دیگری نیز از بین خواهد رفت (اسلام زاده، ۱۳۸۲، ۸۵).

جامعه‌شناسی زیست محیطی در دهه ۱۹۹۰، به عنوان یک رشته دانشگاهی مطرح شد، از جمله در کشور آلمان، اما در بعضی از کشورها تا سال ۱۹۹۶ رسماً تایید نگردید. رایج‌ترین عنوان تحقیق در این زمینه در جامعه‌شناسی زیست محیطی بوده و قسمتی از مشکل این است که مسائل محیط زیست به عنوان یک موضوع حقیقی و اصلی جامعه‌شناسی در نظر گرفته نشده است. در جامعه‌شناسی، موقعیت دور از طبیعت برای خود در نظر گرفته است، بطور

کلی، تا دهه ۸۰ جامعه‌شناسی به دلیل مذهبی، به رابطه زیست محیط با جامعه، مردم و جمعیت علاقه‌ای نداشت (میلتون، ۱۳۸۲، ۲۶).

جامعه‌شناسی محیط زیست با اثر متقابل پیچیده‌ای بین تعداد عامل و ساختار، در سطوح مختلف باید سروکار داشته باشد. بعضی ترکیبات تئوری سیستم‌ها و کنش برای جامعه‌شناسی زیست محیطی مفید خواهد بود. در ساختارها نباید از انسان غافل شد. بشر نیاز به تجدید جامعه‌شناسی فرهنگی، شناخت و تجزیه دارد، مهمترین توسعه این رشته انتقال جامعه‌شناسی محیط به جامعه‌شناسی محیط زیست است. اولی به مطالعه جریان‌ات محیط زیست از درون جامعه‌شناسی کهن می‌پردازد، ولی دومی شامل روابط محیطی و اجتماعی می‌باشد (صالحی، ۱۳۸۶، ۲۳).

مبانی نظری:

- نظریه ساختارگرایی: ساختارگرایی اجتماعی بر این باور است که گرچه مسایل محیطی ممکن است از واقعیت بسزایی به خودی خود برخوردار باشند ولی بدون تحقیق در زمینه بافت فرهنگی، تاریخی و اجتماعی که این مسایل را احاطه نموده است، قابل درک نمی‌باشند (Salehi, 2010, 12).

- تئوری همبستگی اندام‌واره: انسان، در طبیعت خویش درگیر شهوات است و اگر این فشار عینی و خارجی وجود نداشته باشد جامعه انسانی به جنگل بیشتر شبیه خواهد شد. این گرایش‌ها هستی‌شناختی بهترین دلیل و توجیه علمی بود که دورکیم برای دفاع از نظم حاکم و تسلیم فرد به جمع می‌توانست ارائه دهد. دورکیم معتقد است که این فشار و تحمیل اجتماعی در نظامی ساختاری از همبستگی اجتماعی رخ می‌دهد، بدین روال سلامت جامعه را منوط به میزان درجه همبستگی اجتماعی آنها دانسته و بررسی این میزان را از وظایف علم جامعه‌شناسی می‌داند. همبستگی اجتماعی، می‌تواند وحدت، سلامت و یک پارچگی گروه را تعیین کند. هر جا که این همبستگی نیرومندتر باشد، افراد را به سوی هم متمایل‌تر کرده و بر میزان روابط

متقابل میان آنان می‌افزاید و برعکس هرچه میزان همبستگی کمتر باشد از تنوع روابط و برخوردهای میان افراد کاسته خواهد شد (تنهایی، ۱۳۷۷، ۱۳۳-۱۳۲).

- نظریه اخلاقی شوایتزر: آلبرت شوایتزر در کتاب تمدن اخلاق خود اینگونه بیان کرده که: «همان طور که در میل به زیستن اراده معطوف به زیست در نزد خود من آرزوی حیات و زندگی بیش تر وجود دارد همین امر به طور کلی در میل به زیستن در پیرامون من حاکم است، فرقی نمی‌کند که او خود بتواند این خواست را به من بفهماند یا تمایل و اشتیاقی بیان نشده باقی بماند». از نظر او اخلاق عبارت از همین است، که من ضرورت همان حرمت گذاری برای حیات نسبت به کل خواست یا اراده معطوف به زیست را احساس کنم، که نسبت به خواست زیست خود احساس می‌کنم (پویمان، ۱۳۸۴، ۱۸۵).

- نظریه جامعه مخاطره آمیز: این نظریه توسط اولریک بک مطرح شده است به نظر او دگرگونی اخیر جوامع باختری با تاکید بر مسایل زیست محیطی اشاره دارد با تاکید بر بهداشت اثرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی زیست محیطی بطور اعم و تولید مبتنی بر علم و فن آوری بطور اخص است (بری، ۱۳۸۱، ۲۰۴).

از نظر بک دانش و آگاهی اشاعه و انتقال این ریسک‌ها مهم هستند. اصل احتیاط جنبه مهمی از رابطه میان نظریه اجتماعی و ریسک‌های زیست محیطی را تشکیل می‌دهد. این اصل در سال‌های اخیر به نظرات ارزیابی ریسک، و مدیریت، وارد شده است و بر این محور می‌چرخد که در شرایط عدم تعیین، عقلانیت حکم می‌کند محتاط باشیم و به اعمال خطر آفرین دست نزنیم این اصل بر آن است تا بستر را از شکل‌های جبران نشدنی دخالت در محیط زیست منع نماید (بری، ۱۳۸۱، ۲۱۶).

- نظریه آسیب شناسی: آسیب شناسی جامعه شناختی دورکیم عمدتاً دو حالت دارد: گاه ممکن است سیستم و نظام اجتماعی دچار مشکل شود، و گاه افراد و گروه‌های کوچک داخل اجتماع درگیر مشکل شوند مثلاً فرد یا افرادی به این دلیل که نمی‌توانند انتظار سیستم را برآورده کنند با مشکل عدم تطابق روبرو هستند البته این امر خود ریشه در مسایل اجتماعی دارد

ممکن است که فرد از نظام تقسیم کار اخراج شده باشد. و یا به هر دلیل دیگری از این نظام جدا شود، در این حالت همبستگی اش با جامعه کم می شود و این گسستگی باعث بروز فساد اجتماعی خواهد شد. اغلب کارکردگرایان انسجامی معتقدند که انسان طبیعتاً شرووری دارد، بنابراین در نظام دورکیمی اگر نتوان فرد را در فرایند اجبار اجتماعی قرار داد و با اجتماع همراه کرد، وی منافع فردی خود را بر منافع جمعی تفوق می دهد و لذا جامعه با آسیب و انحراف روبرو می شود و این آسیب ها و انحرافات با گرایشهای فردگرایانه و یا گرایشهای خودگرایانه نمود پیدا می کند (تنهایی، ۱۳۷۷، ۱۴۱-۱۴۰).

چهار چوب نظری

پژوهش حاضر به دلیل آنکه در حوزه ای بین رشته ای بررسی می گردد، بنابراین ضمن آن که از دیدگاههای زیست محیطی با گرایشهای اجتماعی تاثیر پذیرفته است اما با رویکرد جامعه شناسی به تحلیل می پردازد.

- امیل دورکیم: دورکیم جوامع را به دو نوع تقسیم کرده همبستگی مکانیک و همبستگی ارگانیک یا اندامی. در جامعه ای که همبستگی مکانیکی حاکم است، افراد جامعه چندان فرقی با هم ندارند اما در جامعه ارگانیک، افراد باهم متفاوت هستند، با احساسات متفاوت و دارای تمایز اجتماعی (کوزر، ۱۳۷۹، ۱۹۶). آنچه که بین مردم رواج دارد و عمومی است، حالت طبیعی دارد و هرآنچه اکثر مردم انجام می دهند، هنجار شناخته می شود و مردم رفتارهایشان را با آن تطبیق می دهند. رفتارهایی که امروز در جامعه انجام شده و به نحوی موجب انواع آلودگی می گردد، بعنوان هنجار در جامعه جریان دارد، (مانند بوق زدن، زباله ریختن در محیط و ... هیچ کس بخاطر انجام چنین کارهایی سرزنش و حتی مجازات نمی شوند) (بودون، ۱۳۸۵، ۷۸۱).

دورکیم این را اصل مسأله می داند که پیوند اجتماعی، محصول واقعتهای اجتماعی است. واقعتهای اجتماعی را روش های اندیشیدن، عمل کردن و احساس کردن تعریف کرده-

اند(صالحی امیری، ۱۳۸۶، ۵۰۵). دورکیم معتقد است شهوات بشری فقط در برابر یک نیروی اخلاقی معتبر باز می ایستند. اگر هیچ نوع اقتدار اخلاقی وجود نداشته باشد تنها قانون جنگل فرمانروا خواهد بود، و ستیزه جویی به صورت پنهان یا به شکل حاد، ناگزیر حالتی مزمن به خود خواهد گرفت (آرون، ۱۳۷۷، ۳۵۹). دورکیم به ضرورت عمیق اصلاحات اجتماعی و اخلاقی عقیده داشت (آرون، ۱۳۷۷، ۴۳۴).

- تالکت پارسونز: پارسونز برخی از پیش نیازهای کارکردی نظام اجتماعی را مشخص کرد. نخست آن که، هر نظام اجتماعی باید چنان ساختارگیرد تا بتواند به گونه‌ای سازگار با نظامهای دیگر عمل کند. (ساختارش به گونه ای باشد که به نوبه خود و در کنار جوامع دیگر به حفظ محیط زیست بپردازد) دوم آنکه هر نظام اجتماعی برای آن که باقی بماند باید از پشتیبانی ضروری نظامهای دیگر برخوردار باشد. (یک جامعه وظیفه یک نهاد و یک ارگان یا یک سازمان نیست) سوم آن که هر نظامی باید نیازهای مهم کنشگرانش را به اندازه کافی برآورده سازد. (نیازهای اولیه افراد را در این زمینه برآورده سازد و بعد از افراد انتظار پاسداری از محیط زیست را داشته باشد) چهارم آن که یک نظام باید مشارکت کافی اعضایش را برانگیزاند. (یک نظام با عملکرد مناسب خود راههایی را ابداع کند که حس مسؤولیت مردم را در این زمینه برانگیزد) پنجم آن که یک نظام باید دست کم حداقل نظارت را بر رفتار بالقوه مخرب اعضایش داشته باشد. ششم آنکه اگر چنانچه کشمکشها به اندازه کافی مخرب گردند، آنها را تحت نظارت درآورد. (ارزش‌ها و هنجارهای مناسب در این زمینه را باید بسط و گسترش داد و نهادینه کرد تا درونی گردد) (ریترز، ۱۳۷۴، ۱۳۵).

پارسونز فرهنگ را نیروی عمده‌ای می‌انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی و یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی، را به هم پیوند می‌دهد. به عقیده پارسونز هنجارها و ارزش‌ها در جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدفها نقش بازی می‌کنند. پارسونز بیان کرد که کنش چیزی جز کوشش در جهت تطبیق با هنجارها نیست (ریترز، ۱۳۸، ۱۳۷۴-۱۳۹).

به عقیده پارسونز هنجارها و ارزش‌ها در جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدف‌ها نقش بازی می‌کنند. پارسونز بیان کرد که کنش چیزی جز کوشش در جهت تطبیق با هنجارها نیست (ریتزر، ۱۳۷۴، ۳۵۹).

- ماکس وبر: نزد وبر مفهوم اخلاق، یعنی درمعنای جامع کلمه، اعمال و رفتار جایگاه اول را دارد. آنچه برای او جالب است جهت یابیهای هنجاری هستند که شیوه زندگی شخصی را ساماندهی می‌کنند مسأله تبیین این است که چرا برخی رفتارها برای ما احیا می‌شوند، حتی اگر در نگاه اول توقعات و منطقی‌شان مانعی در برابر ارضای برخی غرایز و خواهشهای نفسانی هستند. یکی از شرایط این مشروع سازی این است که مجموعه ارزش‌هایی که میدان تجربه ما را در قبال فهم ترین ابعادش ساماندهی می‌کنند به تکالیف قومی مشروعیت می‌بخشند (بودون، ۱۳۸۵، ۳۴۹).

وبر به دین به عنوان بعد محوری فرهنگ اشاره می‌کند و بر محتوای ذهنی نظام‌های تجربه ایمان و اعتقاد تاکید دارد. وی معتقد است با آغاز مدرنیته، جهان به سمت تهی شدن از معنا پیش می‌رود و در عصر بوروکراسی به جای کسب نوعی تعالی، توجه اصلی بشر بر کارایی و عقلانیت است با این تفاسیر زندگی مقصد و معنی خود را گم کرده و انسان‌ها در دامی افتاده‌اند که او آن را قفس آهنین بوروکراسی پوچ و عقلانیت بی معنا نامیده است. وبر با تاکید بر اهمیت محوری و تقریباً همه جانبه باورهای دینی در زندگی بشر، فضایی برای استقلال فرهنگ ایجاد می‌کند (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ۹۵ - ۱۰۰).

وبر خصیصه عمده جامعه جدید را در توسعه روند عقلانیت می‌داند نه در تمایز پذیری اجتماعی و هریک از این مفاهیم [از دیدگاه وی] هم از نظر تعبیر علمی پدیده‌ها و هم از لحاظ ارزشگذاری اخلاقی و فلسفی، نتایج متعدد به بار می‌آورند (آرون، ۱۳۷۷، ۴۳۹).

- ژرژ تومه: تومه در مقام نویسنده ای محیط گرا، معتقد است که میزان احترام شهروندان هر جامعه به اخلاق محیطی و حفاظت از محیط طبیعی، از جمله معیارهای سنجش میزان توسعه فرهنگی در آن جامعه محسوب می شود (تومه، ۱۳۸۰، ۱۵).

ژرژ تومه معتقد است فرهنگ و جامعه باهم در تعامل هستند و فرهنگ هدایت کننده عملکرد افراد جامعه می باشد. با تغییر فرهنگ، می توان رفتار مردم را تغییر داد اما فرهنگ فقط یک عامل یا یک واژه و عبارت نیست، بلکه دنیای گسترده ای است. فرهنگ متشکل از عادات و آداب است عاداتی که در طی زمان شکل گرفته اند و مردم مطابق آنها رفتار می کنند (تومه، ۱۳۸۰، ۵).

تومه معتقد نیست که بایستی توسعه مادی را متوقف کرد، بلکه بایستی با پذیرش اخلاق محیطی، به توسعه بعدی فرهنگی بخشید. هدف نهایی آموزش ها و اخلاق محیطی، ایجاد تقویت رفتار ایده آل محیطی است. بین محیط زیست و توسعه فرهنگی ارتباط متقابل وجود دارد. اگر توسعه دارای بعد فرهنگی باشد بهتر می توان از محیط زیست حفاظت کرد و اگر محیط زیست محافظت شود، این عمل سبب تقویت هویت فرهنگی خواهد شد. بدین ترتیب هدف نهایی، مترادف ساختن توسعه با فرهنگ است (تومه، ۱۳۸۰، ۱۳).

- آنتونی گیدنز: گیدنز برخلاف جامعه شناسان کلاسیک، به موضوعهای محیط زیستی و جایگاه طبیعت در نظریه اجتماعی خود توجه بیشتری نشان داده است. توجه او به محیط زیست در نظریه جهانی شدن خود را آشکار می کند. به بیان او «در سنت های فکری که با جامعه شناسی آمیخته اند، مشغله های زیست بومی چندان جایی ندارند. صنعت گرایی، دنیایی ترسناک تر آفرید. بطوری که دگرگونی زیست محیطی زیان آوری رخ می دهد که هیچ کس برای کره زمین از تاثیر آن برکنار نیست» (بری، ۱۳۸۱، ۱۲۱).

گیدنز سیاست های زیست محیطی را پیشرفت هایی می داند که به سمت اخلاقی شدن نظم اجتماعی، نهادها و روابط گرایش دارد و این نکته برای او بسیار ارزشمند است. او جنبش های

زیست محیطی را کوششی می‌داند برای استقرار فردی بنیادهای اخلاقی و امنیت هنجاری در زندگی مردم. اخلاقیاتی که وی آنرا می‌پسندد آن اصولی هستند که در دنیای امروزی و شهرنشینی از بین رفته‌اند. «یکی از پدیده‌های نوسازی شهری، از دست رفتن حس زندگی در میان نظم طبیعی است زندگی در محیط شهری، مردم را از واقعیات دنیای طبیعی و وابستگی جامعه به آن دور می‌کند» (بری، ۱۳۸۱، ۱۲۴).

فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اصلی تحقیق: به نظر می‌رسد بین عوامل فرهنگی و حفظ محیط زیست رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی تحقیق:

۱- به نظر می‌رسد بین احساس مسئولیت در جامعه و حفظ محیط زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین اخلاق اجتماعی در جامعه و حفظ محیط زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین هنجارسازی‌ها از سوی ارگان‌ها و سازمان‌ها و حفظ محیط زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد بین آموزش و آگاهی مناسب در جامعه بر حفظ محیط زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.

۵- به نظر می‌رسد بین ارزش‌های دینی و سنتی در جامعه و حفظ محیط زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.

روش و ابزار جمع‌آوری پژوهش:

روش اصلی این تحقیق پیمایش است و جهت گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است بدین منظور جهت بدست آوردن بخشی از اطلاعات و ادبیات موضوعی با

مراجعه و یادداشت برداری از کتب فارسی و خارجی تخصصی و اسناد و مدارک مربوط به محیط زیست، نشریات و مجلات علمی و تحقیقاتی، پایان نامه‌ها و مقالاتی از شبکه‌های مهم اطلاع رسانی و سایت‌های مختلف اینترنتی جمع آوری شده و در ادبیات تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

جمعیت آماری:

جمعیت آماری، مجموعه‌ای از افرادی هستند که یک یا چند صفت مشترک دارند. جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق، کل افراد ساکن در دو منطقه شهرداری تهران را در بر می‌گیرد که براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ منطقه پنج دارای ۶۷۷۰۸۵ نفر و منطقه هجده دارای ۳۱۴۹۴۵ نفر ساکن است. با توجه به محدودیت‌های تحقیق و گستردگی جغرافیایی و پراکندگی افراد در سطح منطقه و به علت عدم دسترسی به تمام آنان در مدت زمان انجام تحقیق، براساس فرمول کوکران تعداد افراد نمونه ۴۰۰ نفر تعیین گردید پرسشنامه‌های تنظیمی توسط ۲۰۰ نفر از ساکنان مناطق بالا که منطقه پنج در نظر گرفته شده و ۲۰۰ نفر از مناطق پایین که منطقه هجده است تکمیل گردید.

یافته‌های تحقیق:

جدول ۱: رابطه بین احساس مسئولیت و حفظ محیط زیست

نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	۰/۲۱	مثبت	۰/۰۰

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری برابر است با ۰/۰۰ (sig = 0. 00) که کوچک تر از ۰/۰۵ است. یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می‌شود و H_1 (فرضیه پژوهشگر) تایید می‌شود. به عبارت دیگر، احساس مسئولیت بر

حفظ محیط زیست مؤثر است. شدت رابطه بین دو متغیر احساس مسئولیت و حفظ محیط زیست خوب است و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر با افزایش احساس مسئولیت در افراد، میزان حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی افزایش می‌یابد و با کاهش احساس مسئولیت میزان رفتارهای زیست محیطی نیز کاهش خواهد یافت.

جدول ۲: رابطه بین اخلاق و حفظ محیط زیست

نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	۰/۳۹	مثبت	۰/۰۰

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری برابر است با ۰/۰۰ (sig = 0.00) که کوچک تر از ۰/۰۵ است. یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می‌شود و H_1 (فرضیه پژوهشگر) تایید می‌شود. به عبارت دیگر اخلاق اجتماعی بر حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی مؤثر است. شدت رابطه بین دو متغیر اخلاق اجتماعی و حفظ محیط زیست خوب است و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر هرچه اخلاق اجتماعی در بین افراد جامعه افزایش یابد حفظ محیط زیست نیز بهتر می‌شود و بالعکس.

جدول ۳: رابطه بین هنجار سازی و رفتار زیست محیطی

نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	۰/۲۱	مثبت	۰/۰۰

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری برابر است با ۰/۵۹ (sig = ۰/۵۹) که بزرگتر از ۰/۰۵ است. یعنی با اطلاعات موجود H_1 (فرضیه پژوهشگر) رد می‌شود و H_0 تایید می‌شود. به عبارت دیگر هنجار سازی بر حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی تأثیری ندارد.

جدول ۴: رابطه بین آموزش و حفظ محیط زیست

نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	۰/۱۳	مثبت	۰/۰۰

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری برابر است با ۰.۰۰ (sig = 0.00) که کوچک تر از ۰.۰۵ است. یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می شود و H_1 (فرضیه پژوهشگر) تایید می شود. به عبارت دیگر آموزش بر حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی مؤثر است. شدت رابطه بین دو متغیر آموزش و حفظ محیط زیست متوسط است و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر هرچه آموزش در بین افراد جامعه افزایش یابد حفظ محیط زیست نیز بهتر می شود و بالعکس.

جدول ۵: رابطه ارزش های سنتی و دینی و حفظ محیط زیست

نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	۰/۴۴	مثبت	۰/۰۰

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری برابر است با ۰.۰۰ (sig = 0.00) که کوچک تر از ۰.۰۵ است؛ یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می شود و H_1 (فرضیه پژوهشگر) تایید می شود. به عبارت دیگر ارزش های سنتی و دینی بر حفظ محیط زیست مؤثر است. شدت رابطه بین دو متغیر ارزش های سنتی و دینی و حفظ محیط زیست قوی است و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر با افزایش ارزش های سنتی و دینی در افراد، میزان حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی افزایش می یابد و با کاهش ارزش های سنتی و دینی میزان رفتارهای زیست محیطی نیز کاهش خواهد یافت

بحث و نتیجه گیری:

همانطور که ذکر شد موضوع تحقیق حاضر بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست شهر تهران است. در مباحث گزارش یافته‌ها و آزمون فرضیات، توصیف جامعه مورد مطالعه بررسی شد. حال با توجه به آنچه آورده شد نتایج این تحقیق با استفاده از نظریه‌های موجود در زمینه حفظ محیط زیست مورد تبیین و توضیح قرار می‌گیرد. با توجه به آزمون پیرسون در این تحقیق مشخص گردید که با سطح اطمینان ۹۵ درصد بین «احساس مسئولیت» و «حفظ محیط زیست» رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد به این معنا که با افزایش احساس مسئولیت در افراد میزان حفاظت از محیط زیست در جامعه نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس.

همانطور که در نظریات بیان شد دورکیم جوامع را دارای دو نوع همبستگی ارگانیک و مکانیک تقسیم کرده است. بنابراین، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که جوامع شهری مانند جوامع ارگانیک هستند که مردم جهت هر کار و مسأله‌ای، واحد و سازمانی را مسؤول می‌دانند و حس مسئولیت این افراد بسیار پایین است، بخصوص در مورد حفظ محیط زیست شهر با توجه به آلودگی سطح شهر کاملاً مشهود است. مثلاً نظافت شهر را لزوماً وظیفه مسؤولان شهرداری می‌دانند و خود را از هر گونه اقدامی در این جهت مبرا می‌دانند و حتی در بسیاری موارد حاضر به جمع آوری زباله‌هایی که خود باعث ریختن و بوجود آوردن آن در سطح شهر می‌شوند، نیستند. این حس بی‌مسئولیتی در سطح شهر و بین افراد باعث ضررهای مهلکی به محیط زیست شهر و همچنین سلامت تک تک شهروندان خواهد شد. همانطور که پارسونز در بر شمردن پیش نیازهای خود دومین پیش نیاز را اینگونه بیان کرده که هر نظام اجتماعی برای آن که باقی بماند نیاز است از پشتیبانی ضروری نظامهای دیگر برخوردار باشد. از این سخن پارسونز می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که حفظ محیط زیست در یک جامعه وظیفه یک نهاد و یک ارگان یا یک سازمان نیست بلکه تک تک افراد، نهادها و سازمان‌ها نسبت به این امر مهم مسؤول هستند و سازمان حفاظت محیط زیست و دیگر ارگان‌ها و مسؤولین بدون پشتیبانی

نهادها و ارگان‌ها و همه مردم نمی‌توانند موفق باشند و این امر مسلم است که هرچه حس مسؤولیت پذیری افراد بالا رود با محیطی پاک و زیبا روبه‌رو خواهیم شد.

نتیجه دیگری که در این تحقیق با توجه به آزمون پیرسون با سطح اطمینان ۹۵ درصد بدست آمد این بود که بین متغیر «اخلاق اجتماعی» و «حفظ محیط زیست» نیز رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. بدین معنا که اگر اخلاق اجتماعی در سطح جامعه ما نهادینه و پایدار گردد میزان حفظ محیط زیست نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

همانطور که در بخش نظریات بیان شد دورکیم به ضرورت عمیق اصلاحات اجتماعی و اخلاقی عقیده داشت و معتقد بود که قواعد اخلاقی، تضادها و کنش‌ها را تخفیف می‌دهد یعنی با رواج اخلاق اجتماعی در بین افراد یک جامعه میتوان تضادها را در رفتارهای افراد کاهش داد. تا زمانی که اخلاق اجتماعی در یک جامعه به طور مناسب رواج نداشته باشد و تا زمانی که افراد به حقوق یکدیگر احترام نگذارند و خودخواهی را سرلوحه رفتارهای خویش قرار دهند نمی‌توان انتظار محیط زیستی پاک را داشت. همانطور که پارسونز بیان می‌کند معیارهای اخلاقی، همان شگردهای یکپارچه‌کننده و حاکم بر نظام کنش هستند، همچنین وبر معتقد است مفهوم اخلاق یعنی در معنای جامع کلمه، اعمال و رفتار جایگاه اول را دارد. بنابراین با توجه به تایید شدن این فرضیه که اخلاق اجتماعی بر محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی مؤثر است، به این نتیجه می‌رسیم که اخلاق عامل تاثیر گذار و تعیین کننده‌ای بر رفتارهای انسان‌ها است. همچنین عامل مهمی در حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی مناسب است.

با توجه به نتایج آزمون پیرسون با سطح اطمینان ۹۵ درصد در مورد فرضیه دیگر این تحقیق مشخص گردید رابطه مثبت و معنی داری بین متغیر «ارزش‌های دینی و سنتی» و «حفظ محیط زیست» است.

گیدنز معتقد است صنعت گرایی، دنیایی ترسناک تر آفرید بطوری که دگرگونی زیست محیطی زیان آوری رخ می‌دهد که هیچ کس برای کره زمین از تاثیر آن بر کنار نیست و

دورکیم معتقد است که با توسعه جوامع امروزی مذهب روبه زوال می‌گذارد و معتقد است کوشش نوسازی مذهب واکنشی است نسبت به تضعیف اعتقادهای سنتی. از این مباحث می‌توان چنین نتیجه گرفت که پرنسک کردن آموزه‌ها و سفارشات دینی همچنین راه و روش‌های سنتی و قدیمی در مورد حفاظت از محیط زیست می‌تواند تاثیر بسزایی در حفظ و حراست و پایداری آن داشته باشد و رفتارهای زیست محیطی مناسبی را در پی داشته باشد و این مسأله در جامعه ما مطمئناً مؤثر تر و مهم تر است و همچنین نشان دهنده آن است که گرچه جامعه ما نیز همراه با جامعه جهانی با تغییرات و پیشرفت تکنولوژی فناوری و اطلاعات روبرو است اما با تاملی در رفتار و اعمال آنها به وضوح میتوان دید که افکار و عقاید مردم جامعه ما ریشه سنتی و دینی دارد که تعیین کننده اعمال و رفتار آنهاست و در نهایت این امر در جامعه اسلامی ما برجسته تر است و به عنوان یک عامل محوری نیز از آن می‌توان یاد کرد. همانطور که وبر دین را به عنوان بعد محوری فرهنگ نام برده است.

باتوجه به آزمون ضریب همبستگی پیرسون با سطح اطمینان ۹۵ درصد در این تحقیق مشخص گردید متغیر «هنجارسازی» بر «حفظ محیط زیست» تاثیری ندارد.

بنابر نظریات مطرح شده که افراد قبل از انجام هر عملی خود را با ارزش‌های جامعه سازگار می‌کنند که چنانچه خلاف هنجاری اقدام نمایند، از طرف جامعه طرد می‌شوند، می‌توان گفت اگر هنجاری در یک جامعه مورد تایید باشد، مردم براساس آن رفتار می‌کنند. اما در این تحقیق برخلاف نظریات مطرح شده تاثیر هنجار سازی بر حفظ محیط زیست رد شد. این نتیجه را اینگونه می‌توان تبیین کرد که ساخت اغلب هنجارها در جامعه توسط ساختار کلی یعنی دولت و دولتمردان انجام می‌شود و چون دید مردم نسبت به عملکرد و برنامه‌ریزی و طرح‌ها و در کل بیانات دولتمردان مثبت نیست در نتیجه از عمل به هر گونه هنجار مورد تایید ایشان سرباز می‌زنند؛ هرچند هنجار مطرح شده درست و مقبول هم باشد. اما چون از طرف ساختاری که مورد قبول و پذیرش عام ناست مطرح شده مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. ممکن است در

یک پروسه زمانی آن هنجار در جامعه ثبات پیدا کند و مطمئناً زمانی است که مردم خود به صحت و سقم و حقیقت آن آگاه گردند.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون با سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان داد که رابطه مثبت و معنی داری بین متغیر «دانش و آگاهی» و «حفظ محیط زیست» است.

همانطور که اولریک بک در پایان ذکر مخاطرات جهانی خود اعلام داشته دانش و آگاهی در اشاعه و بیان آنها امر بسیار مهمی است، می توان سخن او را مهر تایید بر این بیان داشت که خطرات زیست محیطی را باید به وضوح و شفاف بیان کرد و مردم را آگاه ساخت همچنین به آنها آموزش داد در جهت حفظ محیط زیست در این راستا چگونه گام بردارند. هر جامعه ای که می خواهد افراد جهت رفتارهای مورد تایید آن جامعه گام بردارد باید پرورش یابد و با کسب دانش، آگاهی های آنها را افزایش داده و بعد انتظار داشت که افراد در جهت ارزش های آن جامعه گام بردارند، تا زمانی که افراد از نتایج مخرب و زیان بار زیست محیطی خود آگاهی کافی نداشته باشند و یا آموزش های لازم جهت حفظ محیط زیست شهر به آنها داده نشود پس چگونه باید انتظار داشت که آنها در این راستا همگام باشند. با توجه به سخن پارسونز که معتقد است، آگاهی به عنوان گرایش ارادی وسایل دستیابی به هدفها است، گواه بر همین امر است؛ یعنی اگر مردم آگاه باشند و اطلاعات کافی در این زمینه داشته باشند، بدون جبر و ناخود آگاه در این راستا تلاش خواهند کرد.

در پایان بحث لازم است که یک جمع بندی کلی در رابطه با عوامل فرهنگی ذکر شده بر حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی ارایه شود.

بنظر می رسد برای تبیین حفظ محیط زیست، اولین واژه فرهنگی تاثیر گذار، احیای سنت های گذشته و پررنگ کردن مسایل دینی در این زمینه باشد. یعنی مسایلی که مردم عمیقاً آن را قبول دارند و براساس آن عمل می کنند. با توجه به مطالعات انجام شده در راستای حفظ محیط زیست مشخص گردید که افزایش دانش و آگاهی مردم در این زمینه گامی مهم و مؤثر است و به نظر می رسد رفتار بسیاری از مردم در تخریب محیط زیست شهر و جامعه خود از

روی ناآگاهی آنهاست و در بیان دیگر بسیاری از افراد نه عمداً بلکه سهواً از جهت بی اطلاعی در راستای تخریب محیط زیست عمل می‌کنند. در کنار آموزش، بالابردن اخلاق اجتماعی و تعهد و مسؤولیت از عوامل مهم دیگری است که بر حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی تاثیر گذارند.

به طور کلی، با توجه به عقیده پارسونز که فرهنگ را نیروی عمده‌ای می‌انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی و یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد فرهنگ میانجی کنش متقابل میان کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند، می‌توان گفت که فرهنگ عامل تعیین کننده رفتارهای افراد در یک جامعه است و رفتارهای زیست محیطی تک تک افراد نشأت گرفته از این عامل مهم است.

پیشنهادهات:

- اشاعه سنت‌های قدیمی در مورد حفظ محیط زیست و ارزش نهادن به این سنت‌ها در جامعه
- افزایش آگاهی‌های عمومی در بین اقشار مختلف مردم و کلیه سطوح تحصیلی برای پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست
- تلاش برای بالا بردن اخلاق اجتماعی جهت نهادیه و پایداری رفتارهای حفظ محیط زیست مناسب در سطح شهر
- تقویت حس مسؤولیت‌پذیری در حفاظت از محیط زیست و روحیه تعاون در مردم ارتقاء یابد و نهایتاً فرهنگ زیست محیطی در اقشار مختلف کشور متبلور با فرهنگ عمومی گردد.

۱. منابع

۲. آرون، ریمون، ۱۳۷۷، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، مترجم باقرپیرهام، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم

۳. اژدری، افسون، ۱۳۸۲، توسعه فرهنگی و محیط زیست، فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط زیست، شماره ۳۹
۴. اسلام زاد، وحید، ۱۳۸۲، مقدمه ای بر جامعه شناسی محیط زیست، نشر سازمان سبز حزب اسلامی کار،
۵. اصغری لقمجانی، صادق، ۱۳۷۸، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول
۶. بری، جان، ۱۳۸۰، محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان، نیره توکلی، چاپ اول، انتشارات سازمان محیط زیست.
۷. بودون، ریمون، ۱۳۸۵، فرهنگ انتقادی جامعه شناسی، ترجمه عبدالحسن نیک گهر، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول
۸. پورنجف و همکاران، ۱۳۸۶، بررسی وضعیت عوامل زیست محیطی در ارتباط با سلامت جامعه شهری ایلام، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره پانزدهم، شماره سوم
۹. پویمان، لویی. پ، ۱۳۸۴، اخلاق زیست محیطی، ترجمه گروه مترجمان، نشر توسعه، جلد اول، چاپ اول، تهران
۱۰. تنهایی، حسین ابوالحسن، ۱۳۷۷، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه شناسی، چاپ سوم، چاپ شرکت تعاونی چاپ گناباد
۱۱. تومه، ژرژ، ۱۳۸۰، توسعه فرهنگی و محیط زیست، محمد شارع پور، چاپ اول، غزال (باز)
۱۲. دبیر سیاقی، سید منوچهر، ۱۳۸۳، بحران محیط زیست، انتشارات حدیث امروز، چاپ اول، قم
۱۳. دولت آبادی، حسن، ۱۳۸۲، فرهنگ محیط زیست، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول
۱۴. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۸، آناتومی جامعه مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول
۱۵. ریتزر، جورج، ۱۳۷۴، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ دوم، تهران
۱۶. صالحی امیری، سید رضا، ۱۳۸۶، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، نشر ققنوس
۱۷. صالحی، سیده، ۱۳۸۵، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست در شهر کرج مناطق ۱، ۲، ۶ و ۷، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، مدیریت و علوم اجتماعی، استاد راهنما دکتر رضا فاضل

۱۸. فرصت، محمد، ۱۳۸۴، ارزشیابی آموزش زیست محیطی در نظام آموزش عالی کشور، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، رشته مدیریت محیط زیست (Ph.D)، استاد راهنما آقای دکتر مجید عباسپور، آقای دکتر سید محمود شریعت
۱۹. کوزر، لوئیس، ۱۳۷۷، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ هفتم
۲۰. مارشال، گوردون، ۱۳۸۸، فرهنگ جامعه شناسی (آکسفورد)، حمیرا مشیر زاده، نشر میزان، چاپ اول
۲۱. محسن زاده (و همکاران)، احمد علی، ۱۳۸۸، حقوق محیط زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها)، انتشارات خرسندی، چاپ اول
۲۲. میلتن، کی، ۱۳۸۲، طبیعت مهربان به سوی اقلیم عاطفه، ترجمه محمدهادی رستمی شاهرودی، انتشارات سازمان محیط زیست
۲۳. همتی، تورج، ۱۳۸۰، بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی در آموزش زیست محیطی و موانع مشارکت مردم در حفاظت از محیط زیست استان ایلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام
۲۴. ولایی، عیسی، ۱۳۸۴، الگوهای رفتار با طبیعت (محیط زیست) از دیدگاه قرآن و سنت، پایان نامه دکتری (Ph.D)، رشته علوم قرآن و احادیث، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، استاد راهنما دکتر محمد علی لسانی فشارکی
25. Salehi, S, 2010, Pepole and the environment, amazon
26. Marzso, S. 1980, Toward interdisciplinary environmental education proceeding of the international. Seminar education and environment some IDEAS on the interdisciplinary nature of the environmental education.
27. Havvey, T. 1995, An education 21 program: Orienting Environmental Education towards sustainable development and capacity building for Rio – the environmentalist VOL. 15.